

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۳۰ می ۲۰۱۵

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران یا مرکز سانسور و تفتیش عقاید!

۳

شاخص توسعه انسانی (HDI)

شاخص توسعه انسانی (HDI) مفهومی فراگیر دارد. سازمان ملل متحد با استفاده از معیار توسعه اقتصادی - اجتماعی، شاخص توسعه انسانی را اینگونه تشریح کرده است: استاندارد زندگی که از تطبیق درآمد سرانه با هزینه زندگی به دست می آید، امید به زندگی در بدو تولد و سطح آگاهی جامعه که با نرخ باسوادی و سالهای میانگین تحصیل سنجیده می شود. این شاخص از صفر تا حداکثر یک، درجه بندی می شود. کشورهای با درجه ۰/۵ یا کمتر از شاخص توسعه انسانی پائینی برخوردارند. در حالی که درجه بالای ۰/۵ نشان دهنده سطح بالایی از توسعه انسانی است. به طور میانگین می توان گفت سرانه مطالعه کتاب در دنیا ۴۵ دقیقه در روز است. سرانه بالای مطالعه در کشورهای توسعه یافته ای نظیر جاپان با سرانه ۹۰ دقیقه مطالعه در روز و انگلیس با حدود ۵۵ دقیقه در روز نشان از شاخص بالای توسعه در این کشورهاست.

بر اساس تحقیقات به عمل آمده، کشورهای به اصطلاح «جهان سوم»، کمترین سرانه مطالعه را به خود اختصاص می دهند در این کشورها بیش تر افراد مطالعه نمی کنند و استفاده و ترویج محصولات فرهنگی نهادینه نشده است. یکی از دلایل پائین بودن سرانه مطالعه در این کشورها بی توجهی مسؤولان فرهنگی است. اختلاف فرهنگی، حتا در مورد محصولاتی که هم به عنوان کالای تجاری و هم به عنوان محصول فرهنگی محسوب می شود؛ وجود دارد.

در آخرین گزارش این نهاد بین المللی که ۲۳ جولای سال ۲۰۱۴ میلادی منتشر شده است برنامه توسعه سازمان ملل «ترقی پایدار بشر: کاهش آسیب پذیری ها و افزایش جهش ها» را به عنوان موضوع گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ انتخاب کرده است. در این گزارش رتبه ایران در شاخص توسعه انسانی (HDI) در میان کشورهای جهان ۷۵ اعلام شده است که نسبت به سال گذشته با دو پله نزول رو به رو بوده است. در ادامه بخش هایی از گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴ را می خوانیم.

بر اساس این گزارش سطح توسعه انسانی در جهان، با وجود رشد کلی توسعه انسانی، روند رو به جلو در تمام مناطق در فاصله زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ در مقایسه با فاصله زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ کند شده است. در کشورهای عربی، منطقه آسیا و اقیانوسیه و امریکای لاتین و منطقه کارائیب، متوسط نرخ رشد سالانه در شاخص توسعه انسانی در مقایسه این ۲ فاصله زمانی به حدود نصف کاهش یافته است.

شدیدترین کاهش در شاخص توسعه انسانی امسال در کشورهای جمهوری افریقای مرکزی، لیبیا و سوریه اتفاق افتاده است. در این کشورها، درگیری‌های داخلی منجر به کاهش درآمد مردم شده است.

بر اساس این گزارش، نابرابری درآمدی در جهان، همچنان در حال رشد است و برخورداری از آموزش نیز همچنان نابرابر است. نابرابری کلی در اکثر مناطق اندکی کاهش یافته است که عمدتاً ناشی از بهبود وضعیت سلامت در سال‌های اخیر است. اما نابرابری درآمدی در چندین منطقه و از جمله کشورهای برخورداری از توسعه انسانی بسیار بالا افزایش یافته است.

گزارش امسال، با ثبت بزرگترین کاهش در نابرابری کلی، منطقه آمریکای لاتین و کارائیب همچنان از بیش‌ترین میزان نابرابری درآمدی در بین مناطق مختلف جهان رنج می‌برد.

در این گزارش نابرابری در میزان دسترسی به تحصیل در سطح جهان همچنان بالاست. نسل‌های قبل‌تر همچنان با مشکل بی‌سوادی مواجه هستند، در حالی که جوان‌ترها برای رفتن از تحصیلات ابتدائی به تحصیلات متوسطه با دشواری مواجه‌اند. بالاترین سطح نابرابری تحصیلی در افریقای جنوبی، کشورهای عربی و افریقای سیاه مشاهده می‌شود.

بر اساس معیارهای اندازه‌گیری فقر بر مبنای درآمد، ۱/۲ میلیارد نفر از مردم جهان با درآمد روزانه ۱/۲۵ دلار یا کمتر زندگی می‌کنند. اما جدیدترین برآوردهای انجام شده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل بر مبنای شاخص چند بعدی فقر نشان می‌دهد که تقریباً ۱/۵ میلیارد نفر در ۹۱ کشور در حال توسعه گرفتار فقر هستند. هرچند میزان کلی فقر در جهان رو به کاهش است، اما تقریباً ۸۰۰ میلیون نفر از مردم جهان در خطر گرفتار شدن در فقر قرار دارند.

بر اساس این گزارش، تهدیداتی نظیر بحران‌های مالی، نوسانات قیمت مواد غذایی، بلایای طبیعی و جنگ‌ها و درگیری‌ها به میزان قابل توجهی در کاهش رشد توسعه انسانی مؤثر بوده است. در این گزارش تأکید شده است که کاهش فقر و آسیب‌پذیری مردم نسبت به خطر دچار شدن به فقر باید به موضوع محوری طرح‌های آینده برنامه توسعه سازمان ملل تبدیل شود.

گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴، که بر پایه آمار و اطلاعات مربوط به سال ۲۰۱۳ تهیه شده است نشان می‌دهد نمره ایران از نظر شاخص توسعه انسانی در این سال نسبت به سال قبل از آن تغییری نداشته است. بر این اساس ایران در بخش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال قبل پیشرفت یا پس رفتی نداشته است.

شاخص توسعه انسانی ارقامی از صفر تا یک را دربر می‌گیرد که هر چه این رقم برای یک کشور بیش‌تر باشد دلالت بر توسعه یافتگی بیش‌تر آن کشور در حوزه انسانی دارد.

ایران در شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳ نمره ۰/۷۴۹ را به دست آورده است. برای سال ۲۰۱۲ نیز نمره ایران در این شاخص ۰/۷۴۹ اعلام شده بود. با این حال ایران در رتبه‌بندی جهانی از نظر توسعه انسانی نزول ۲ پله‌ای داشته است. رتبه ایران از نظر میزان توسعه انسانی بین ۱۸۷ کشور جهان در سال ۲۰۱۳، ۷۵ اعلام شده است. این در حالی است که ایران در سال ۲۰۱۲ رتبه ۷۳ را از این نظر به خود اختصاص داده بود.

در گزارش جدید سازمان ملل ۴۹ کشور در گروه نخست قرار گرفته‌اند یعنی دارای توسعه انسانی بسیار بالا هستند و ۵۳ کشور در گروه دوم، ۴۲ کشور در گروه سوم و ۴۳ کشور نیز در گروه چهارم قرار داده شده‌اند.

گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، کشور ناروی را به عنوان توسعه یافته‌ترین کشور جهان در حوزه انسانی معرفی کرده است. نمره این کشور در شاخص توسعه انسانی ۰/۹۴۴ اعلام شده است. استرالیا با نمره ۰/۹۳۳ و سوئیس با نمره ۰/۹۱۷ به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم از این نظر قرار گرفته‌اند.

کشورهای هالند، امریکا، المان، نیوزیلند، کانادا، سنگاپور و دانمارک نیز به ترتیب در رتبه‌های ۴ تا ۱۰ جهان از نظر میزان توسعه یافتگی انسانی قرار گرفته‌اند.

در میان کشورهای جهان سویدن کمترین نابرابری درآمدی را دارد و نمره این کشور در ضریب جینی ۲۵ اعلام شده است. ناروی با نمره ۲۵/۸ در جایگاه دوم و اسلواکی با نمره ۲۶ در رتبه سوم از این نظر قرار گرفته‌اند.

ایران در میان ۱۵۲ کشور جهان رتبه ۱۰۹ را از نظر شاخص نابرابری جنسیتی کسب کرده است. در گزارش توسعه انسانی سال گذشته رتبه ایران از این نظر ۱۰۷ اعلام شده بود که بدین ترتیب ایران در رده بندی جهانی نابرابری جنسیتی ۲ پله نزول داشته است.

گزارش امسال، نمره ایران در شاخص نابرابری جنسیتی را ۰/۵۱ اعلام کرده است. شاخص نابرابری جنسیتی ارقامی از ۰ تا ۱ را در برمی‌گیرد که هرچه این رقم بیشتر باشد دلالت بر نابرابری بیشتر میان مرد و زن در یک کشور دارد. در گزارش سال پیش نمره ایران در این شاخص ۰/۴۹۶ اعلام شده بود که نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی در ایران طی سال ۲۰۱۳ نسبت به سال قبل از آن اندکی بیشتر شده است.

سهم زنان از کرسی‌های مجلس، میزان برخورداری زنان از تحصیلات متوسطه و میزان سهم آن‌ها از بازار کار از جمله شاخص‌هایی است که برای تعیین میزان نابرابری بین زن و مرد در هر کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بر اساس گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ سهم زنان از مجلس کنونی ایران تنها ۳/۱ درصد است. همچنین ۶۲/۲ درصد از زنان ایرانی دارای تحصیلات متوسطه یا بالاتر هستند که این رقم در مقایسه با برخورداری ۶۷/۶ درصدی مردان از تحصیلات متوسطه، کمتر است.

این گزارش برای نشان دادن توسعه انسانی بر اساس جنسیت اقدام به تعریف شاخص توسعه انسانی به تفکیک جنسیت کرده است.

در این شاخص ایران امتیاز ۰/۶۷۲ را مطرح کرده که نسبت توسعه انسانی زنان به مردان هم ۰/۸۴ است.

این گزارش نرخ مشارکت مردان بالای ۱۵ سال در بازار کار را ۷۳/۱ درصد برآورد کرده و این رقم را برای زنان تنها ۱۶/۴ درصد اعلام کرده است.

رتبه نخست جهان از نظر شاخص نابرابری جنسیتی را اسلونی با نمره ۰/۲۱ کسب کرده است و سوئیس با نمره ۰/۳۰ در جایگاه دوم و المان با نمره ۰/۴۶ در رتبه سوم جای گرفته‌اند. یمن نیز با نمره ۰/۷۳۳ در انتهای رده‌بندی نابرابری جنسیتی بین ۱۵۲ کشور قرار گرفته است.

این گزارش شاخصی را به نام شاخص رضایت از زندگی منتشر کرده و به هر کشور نمره‌ای از صفر تا ده داده که هر چه نمره کشوری بیشتر باشد دلالت بر رضایت بیشتر شهروندان از زندگی خود دارد.

این گزارش که بر پایه آمار سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ تهیه شده است ایران در شاخص رضایت از زندگی نمره ۴/۶ را به دست آورده و رتبه ۱۱۲ را در جهان به خود اختصاص داده است.

این گزارش متوسط نرخ بیکاری در ایران طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ را ۱۳/۵ درصد اعلام کرده است. ۳۴ کشور از ۱۴۸ کشور بررسی شده نرخ بیکاری بیشتری نسبت به ایران طی این مدت داشته‌اند.

متوسط نرخ بیکاری ایران در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ تقریباً معادل ۲ برابر متوسط نرخ بیکاری در جهان طی این مدت بوده است. متوسط نرخ بیکاری جهان در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ بالغ بر ۷/۵ درصد برآورد شده است.

این گزارش نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال در ایران را طی مدت مزبور ۲۳ درصد اعلام کرده است. همچنین ۴۴/۷ درصد جمعیت ایران شاغل بوده است.

تعداد کودکان کار در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ نیز معادل ۱۱/۴ درصد کل جمعیت کودکان ایران برآورد شده است.

بر اساس این گزارش کمترین نرخ بیکاری در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ به دو کشور قطر و ازبکستان مربوط می‌شود. نرخ بیکاری قطر و ازبکستان در این سال‌ها ۰/۴ درصد بوده است. بیشترین نرخ بیکاری نیز مربوط به مقدونیه بوده است. متوسط نرخ بیکاری مقدونیه در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ بالغ بر ۳۱ درصد اعلام شده است.

برنامه توسعه سازمان ملل در بخشی از گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ به بررسی میزان درآمد سرانه ملی در ۱۸۷ کشور جهان از جمله ایران پرداخته است.

این گزارش درآمد سرانه ملی ایران بر اساس شاخص قدرت خرید در سال ۲۰۱۳ را ۱۳ هزار ۴۵۱ دلار اعلام کرده است.

ایران از نظر میزان درآمد سرانه ملی بر اساس شاخص قدرت خرید در سال ۲۰۱۳ رتبه ۷۹ جهان را به خود اختصاص داده است.

جمهوری دموکراتیک کنگو کمترین و قطر بیشترین درآمد سرانه ملی را در سال ۲۰۱۳ داشته‌اند. درآمد سرانه ملی کنگو در این سال ۴۴۴ دلار و قطر ۱۱۹ هزار ۲۹ دلار برآورد شده است.

بر اساس این گزارش جمعیت ایران در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۷۷/۴ میلیون نفر بوده است. ایران در سال ۲۰۱۳ به‌عنوان هفدهمین کشور پرجمعیت جهان شناخته شده است و بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل در سال ۲۰۳۰ نیز همین رتبه را حفظ خواهد کرد.

این گزارش متوسط رشد جمعیت ایران در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ را ۱/۲ درصد اعلام و پیش‌بینی کرده است متوسط رشد جمعیت ایران در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به ۱/۳ درصد افزایش یابد.

با این حال در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ نرخ باروری به ازای هر زن در ایران ۲ تولد بوده است و پیش‌بینی شده است این رقم در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به ۱/۹ تولد کاهش یابد.

جمعیت شهری نیز که در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۶۴ درصد کل جمعیت ایران بوده است در سال ۲۰۱۳ به ۶۹/۲ درصد افزایش یافته است.

بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل جمعیت جهان که در سال ۲۰۱۳ به ۷ میلیارد و ۱۶۲ میلیون نفر رسیده است در سال ۲۰۳۰ به ۸ میلیارد و ۴۲۴ میلیون نفر خواهد رسید. متوسط رشد جمعیت جهان در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ نیز ۱/۱ درصد پیش‌بینی شده است.

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری می‌توان تأکید کرد که سانسور، رمق نشر را گرفته است. سانسورچیان حتا روی کلمات گیر می‌دهند. این کلمه را بردار، این اسم را بردار، این قسمت را عوض کن. کتاب بخواد از زیر دست ممیز بگذرد، می‌شود یک کتاب دیگر. نویسندگان اصلی ایران کشیده‌اند عقب.

دلایل کتاب نخواندن ایرانی‌ها مختلف است. از این که کتاب گران شده است تا این که به دلیل سانسور کتاب‌های خوب منتشر نمی‌شود. همه مؤثر است.

دلایل دیگر دین است که همه راه‌ها را بسته و از هر جهتی که شما وارد بشوی متوجه می‌شوی که کارهایی را انجام داده‌اند که جلوی فرهنگ و آزادی را بگیرند. مردم را گرسنه و عصبی می‌کنند تا به هم رحم نکنند. تفریح و امور فرهنگی ندارند مردم ما چون جیب مردم خالی است اما مواد مخدر را توزیع می‌کنند با قیمت پائین. توپ بستکبال در حد

متوسط هفتاد هزار تومان قیمت دارد ولی پسرهای دبیرستانی با پنج هزار تومان مواد مخدر می‌خرند. بین ورزش، کتاب، تفریح، درس و مواد مخدر، ترجیح می‌دهند که جوان‌های ما به سراغ مواد مخدر بروند. دین با سوال خصومت دارد. حکومت اسلامی پس از انقلاب، به سراغ کتاب‌فروشی‌ها رفت. کتاب‌فروشی‌ها از ترس، کتاب‌ها را خمیر می‌کردند، می‌سوزاندند. در حکومت گذشته هم این مسأله بود. کتاب‌هایی بود که اگر چند صفحه‌اش در خانه کسی پیدا می‌شد بازداشت می‌کردند، اعدام می‌کردند. دین و دیکتاتوری با کتاب مشکل دارند. دستگاه عریض و طویل سانسور راه می‌اندازند.

سوال، پایه‌های دین و دیکتاتوری را می‌لرزاند. مشکل حکومت اسلامی با کتاب این است که اگر مردم کتاب بخوانند ریشه خرافاتی که این‌ها ۳۶ سال است تبلیغ می‌کنند، خشک می‌شود. این را نمی‌خواهند. یک مملکت ثروتمند و بزرگ را با همین خرافه‌ها مالک شده‌اند. خودشان را به خطر نمی‌اندازند. کتاب بزرگ‌ترین خطر برای این حکومت اسلامی است!

تجربه جهانی نشانه داده است که رشد و توسعه تمدن‌ها، ریشه در رشد فکری و فرهنگی هر جامعه دارد. یعنی بدون رشد فرهنگ کتابخوانی در جوامع، نمی‌توان به رشد هیچ تمدنی دل خوش کرد. باید تأکید کرد که با وجود رشد رسانه‌های گوناگون جمعی تاکنون هیچ رسانه‌ای نتوانسته است نقشی را که کتاب در رشد تمدن‌ها داشته است، ایفاء نماید.

از این‌رو، علاوه بر مبارزه پیگیر با سانسور و اختناق و استثمار حکومت اسلامی ایران، در عین حال در شرایط موجود، فراهم کردن امکانات و فرصت‌های مطالعاتی برای کودکان و نوجوانان توسط والدین و مربیان و معلمان متری و پیشرو کشور، بسیار حائز اهمیت است. باید از فرصت‌ها و امکانات هرچند محدود هم باید استفاده کرد تا جوانان را تشویق و ترغیب به مطالعه و تهیه و خرید کتاب کرد. جهت بازدید به کتابخانه‌های عمومی شهر، فروشگاه‌های کتاب و یا هدیه کتاب، آن‌ها را به مطالعه راغب نمود. به کودکان قبل از دبستان باید اهمیت داد که می‌تواند با گرفتن هدیه برجسته‌ای از اولیاء و مربیان، علاقه کودکان را به کتاب و کتابخوانی تعیین و تثبیت کرد و آن‌ها را به این راه کشاند.

اختتامیه بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، روز شنبه ۲۶ اردیبهشت [ثور]، با حضور علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس صالحی معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قالیباف شهردار تهران و ناشران برتر برگزار شد. سیدعباس صالحی، در سخنرانی خود، ادعای بزرگی کرد و گفت: «در حوزه چاپ و نشر کتاب در رتبه ۱۸ دنیا قرار داریم»!

در حالی که خلاف ادعای قالیباف و دیگر مسئولین حکومت اسلامی، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، مرکز دیگری برای تشدید سانسور و تفتیش عقاید است. همچنین به لحاظ بین‌المللی نیز تنها حضور برخی ناشران مذهبی از چند کشور هم‌فکر حکومت جهل و جنایت و سانسور اسلامی است!

دوشنبه چهارم خرداد [جوزا] ۱۳۹۴ - بیست و پنجم می ۲۰۱۵